

تحلیل عناصر نقشمند در انسجام بخشی به ساختار آوایی متن قرآنی (بررسی موردی سوره های قمر، رحمن و واقعه)

احمد پاشازانوس *

علیرضا نظری **

مریم فولادی ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۰۲

تاریخ تایید: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶

چکیده:

پیوند زبان شناسی با تحلیل و بررسی متون به ویژه متن ادبی بسیار عمیق و به هم تنیده است. در این بین، زبان شناسی متن و عوامل متنی از جمله انسجام، از اهمیت بالاتری برخوردار است. بحث انسجام به معنای اصطلاحی آن نخستین بار توسط هالیدی و حسن مطرح گردید، به طور کلی در سه سطح واژگانی، دستوری و آوایی قابل بررسی است؛ ولی به سبب گستردگی این مباحث، پژوهش حاضر، صرفاً سطح آوایی در تعدادی از عوامل آوایی چون سجع، جناس، موازات، التزام، ترصیع و تصدیر، مدنظر قرار داده و تلاش کرده است تا کارکرد انسجامی این عوامل را با توجه به تأثیری که در یکپارچگی متن دارند، در چند سوره از قرآن مورد بررسی قرار دهد، چرا که بررسی متن قرآن، از منظر انسجام آوایی آن، کمتر در میان پژوهش ها دیده می شود. از این رو این عوامل با استقراء تام در سوره های قمر، رحمن و واقعه، به روش توصیفی - تحلیلی مورد تحلیل قرار گرفته و به کمک داده های آماری، بسامد و نسبت هر یک از این عوامل در انسجام بخشی به متن سوره ها، مشخص گردیده است، یافته ها نشان می دهد که سجع از مهم ترین عوامل انسجام آوایی در این سوره ها است که نقش بسزایی در ارتباط میان آیات و در نتیجه یکپارچه ساختن تمام متن سوره داشته است و در مقابل، ترصیع کمترین نقش را در انسجام متن داشته است و عوامل آوایی التزام، موازات، جناس و تصدیر نیز به ترتیب در مراتب بعدی از اهمیت انسجامی قرار داشته اند.

کلیدواژه ها: قرآن، متن، زبان شناسی، انسجام، ساختار آوایی.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین Pasha@hum.ikiu.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین a.nazari@hum.ikiu.ac.ir

*** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین (نویسنده مسئول) maryamfouladi98@yahoo.com

مقدمه

به طور قطع یکی از عواملی که موجب اهمیت روزافزون قرآن شده و الهی و فرابشری بودن آن را اثبات نموده، ساختار آوایی متن قرآن است، ساختاری که خداوند آن را به شکل اعجازگونه به تصویر کشیده است، به گونه‌ای که گوش مخاطبان را می‌نوازد و در دل و جان او اثر عمیقی را بر جای می‌نهد و علاوه بر این، فهم معانی شگفت و عمیق آن را نیز گویاتر می‌نماید. لذا پژوهش حاضر سعی دارد تا به وسیله علم زبان‌شناسی متن، انسجام چند سوره از قرآن را در سطح آوایی مورد تحلیل قرار دهد.

البته عوامل آوایی در بلاغت عربی در حوزه علم بدیع آورده شده است؛ ولیکن به گفته عبدالمجید (۷:۱۹۹۸) «در بلاغت عربی این‌گونه جا افتاده که وظیفه عوامل بدیعی، صرفاً آراستن کلام است؛ ولی باید توجه داشت که بدیع از منظر زبان‌شناسی متن افق تازه‌ای یافته است و آن، نقش عوامل بدیعی در ارتباط اجزای متن است.» از این رو ما نیز در این پژوهش برآنیم تا عوامل بدیعی را، از دریچه‌ای که علم زبان‌شناسی متن به روی ما گشوده است، بنگریم؛ چرا که ارتباط اجزای متن توسط عوامل بدیعی، انسجام آوایی متن را در پی خواهد داشت که اهمیت بالایی در مباحث زبان‌شناسی دارد. علت این اهمیت نیز این است که متنی که از انسجام برخوردار است خالی از ابهام بوده، فهم آن راحت‌تر و سریع‌تر است و در نتیجه ماندگارتر خواهد بود.

قابل ذکر است که بحث انسجام در زبان‌شناسی، در آثار و اندیشه‌های پیشینیان بالاخص کسانی که به زبان‌شناسی قرآن مشغول بودند، وجود داشته است، البته

بیشتر تحت عنوان «نظم» مطرح بوده اما امروزه وقتی سخن از انسجام متن می‌شود، بی‌درنگ نظریه انسجام هالیدی و حسن در اذهان تداعی می‌شود. از این رو هالیدی و حسن را می‌توان نخستین کسانی بدانیم که در رابطه با انسجام، البته در زبان انگلیسی تحقیق و بررسی و نظریه‌پردازی کرده‌اند، حال ممکن است این نظریه با ویژگی‌های زبان عربی و قرآن مطابقت داشته باشد و یا در برخی از موارد با آن هم‌خوانی نداشته باشد.

بحث انسجام در زبان‌شناسی از حجم گسترده‌ای برخوردار است؛ و مشتمل است بر سطوح واژگانی، دستوری و آوایی که هر یک از این سطوح شامل زیرمجموعه‌هایی هستند که در مجموع به انسجام متن می‌انجامد. اما از آنجایی که آوردن تمامی این مباحث از حوصله پژوهش خارج بوده و بررسی متن قرآن، از منظر انسجام آوایی آن کمتر در میان پژوهش‌ها دیده می‌شود و ضرورت پژوهش در این زمینه به وضوح احساس می‌شود، لذا پژوهش حاضر، به بررسی سطح آوایی آن پرداخته است.

ساختار آوایی متن قرآن، در عناصر مختلفی قابل بررسی است؛ از جمله این عناصر که در این تحقیق نیز به آنها پرداخته شده است شامل: سجع، جناس، موازات، ترصیع، التزام و تصدیر است، که مجموع این عناصر آوایی موجب ارتباط محکم اجزاء متن و انسجام آن می‌شود.

پیشینه تحقیق

جنبه انسجامی در قرآن کریم از دیرباز مورد توجه محققان و اهل فصاحت و بلاغت قرار گرفته و آثار ارزشمند بسیاری نیز در این زمینه به رشته تحریر

بدین صورت است که، ساختار آوایی با کارکرد هم‌آوایی در فواصل آیات و همچنین تکرار در عناصر زبانی اعم از حروف و عبارات و جملات باعث انسجام در ساختارهای خرد و در سطح بالاتر در ساختار کلان (کل سوره) شده است.

چارچوب تئوری تحقیق

در ابتدای مقاله، روش‌شناسی و چارچوب تئوری تحقیق را تبیین نموده تا در انتها بر مبنای این چارچوب محتوای پژوهش تحلیل و بررسی شود.

انسجام^۱

زبان‌شناسی متن که وظیفه توصیف روابط داخلی و خارجی ساختارهای متن در سطوح مختلف و شرح مظاهر متعدد گونه‌های ارتباطی و کاربردی زبان را دارد (فضل، ۱۹۹۲: ۲۴۷)، بر مطالعات متون نوشتاری تاکید می‌کند و بیشتر با انسجام‌های ساختاری متن سر و کار دارد (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

بحث انسجام اولین بار توسط هالیدی و حسن مطرح شد که آن‌دو در کتاب خود به نام *Cohesion in English* به توضیح و تبیین انسجام و عوامل آن پرداختند و ۵ نوع ابزار انسجامی را که شبکه‌ای از روابط معنایی در سطح متن تولید می‌کنند، ارائه داده‌اند که عبارتند از: ارجاع، جایگزینی، حذف، وصل و انسجام واژگانی. البته در کنار عوامل اصلی فوق، آن‌دو به مجموعه‌ای از ابزارهای شکلی دیگری که به انسجام متن می‌انجامد، تاکید نمودند، مانند: موازات، وزن و

درآمده است که از جمله آنها می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

۱. عناصر الاتساق فی تماسک النص دراسه نصیه من خلال سوره یوسف اثر محمود سلیمان حسین الهواوشه (جامعه مؤته، ۲۰۰۸م).

۲. الاتساق و الإنسجام فی سوره الکهف اثر بوسته محمود (جامعه باتنه، ۲۰۰۸م).

۳. الإنسجام الصوتی فی النص القرآنی اثر تحسین فاضل عباس (جامعه الکوفه، ۲۰۱۱م).

۴. انسجام واژگانی در قرآن، بررسی سوره نور بر پایه نظریه هالیدی وحسن (۱۹۷۶)، حسین رجیبی (دانشگاه رازی، ۱۳۸۶).

درست است که هر یک از این آثار در حوزه انسجام متن قرآن، تلاش‌های خوبی مبذول داشته‌اند، ولی هیچ‌یک از اینها در زمینه ساختار آوایی قرآن و تاثیری که بر انسجام متن دارد، به صورت مجزا و کامل نپرداخته‌اند و در این میان رساله‌ای که در بررسی انسجامی متن قرآن به سطح آوایی نیز توجه نموده است، رساله دکتری، نوال لخلف، تحت عنوان: *الإنسجام فی القرآن الکریم - سوره النور أنموذجاً* - (جامعه الجزائر، ۲۰۰۶) می‌باشد.

سوال و فرضیه تحقیق

این تحقیق با جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی با استقراء تام داده تحقیق و نیز رویکردی آماری در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که: ساختار آوایی سوره‌های مورد بحث، بیشتر در چه اشکالی و با چه کارکردی سبب انسجام متن شده است؟ فرضیه‌ای که بر این سؤال متصور است؛

بحر، هارمونی و قافیه (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۶).

به اعتقاد هالیدی و حسن اهمیت انسجام در این است که جملات معمولاً فرمی به خود می‌گیرند که با جملات قبل و بعد از خود ارتباط می‌یابند و لذا لازم است هر جمله حاوی یک یا چند رابط باشد که آن را به جملات قبل و بعدش مرتبط سازد (فرج، ۲۰۰۷: ۸۰).

بعد از هالیدی و حسن، دوبوگراند و درس‌لر در سال ۱۹۸۱ الگوی کامل و جامعی نسبت به متن ارائه کردند. آنها متن را نوعی نمود ارتباطی می‌دانند با هفت ویژگی اعم از: انسجام، پیوستگی معنایی، هدفمندبودن، پذیرفتنی‌بودن، حاوی اطلاعات بودن، ویژگی موقعیتی، ویژگی درون متنی (آقا گل زاده و افخمی، ۱۳۸۳: ۳۱).

بدین ترتیب می‌توان گفت که انسجام یکی از معیارهای مهم است که در متنیت متن دخیل بوده و در بحث‌های زبان‌شناسی متن نیز اهمیت زیادی دارد و می‌توان گفت که آن «عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن یعنی کلام را در واقع آن‌گونه که آن را می‌شنویم یا می‌بینیم با یکدیگر پیوند می‌دهد.» (البرزی، ۱۳۸۶: ۱۵۲)

و یا به عبارت دیگر به مناسبات معنایی‌ای اشاره دارد که میان عناصر یک متن وجود دارد، و به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشند و آن را همچون متن، از مجموعه‌ای از جمله‌های جداگانه و نامربوط متمایز می‌سازند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳).

لذا باید گفت که هر متنی دارای عناصر زبانی است که موجب پیوستگی آن می‌شود، این عناصر اصطلاحاً عناصر انسجام‌آفرین نامیده می‌شوند (بهنام، ۱۳۸۱: ۶۲) و اصولاً ما برای اینکه نام متن را بر یک

قطعه گفتاری یا نوشتاری بنامیم، ناگزیر از وجود انسجام در آن هستیم، در غیر این صورت، آن قطعه گفتاری یا نوشتاری صرفاً یکسری جملات و یا عبارات گسسته و جدا از هم هستند که هیچ ارتباطی به هم ندارند.

شایان ذکر است که هرچند امروزه شکل‌گیری بحث انسجام را با نظریات هالیدی و حسن و ... می‌شناسند؛ ولی اگر ما به آثار اسلامی و عربی خود بنگریم، خواهیم دید که این مسأله قرن‌ها پیش توسط علماء، با عناوین دیگری چون «نظم» مطرح بوده است لذا از انصاف به‌دور است که ما از انسجام سخن بگوییم؛ ولی نامی از این علماء نبریم. غالباً نظریه نظم به عبد القاهر جرجانی نسبت داده می‌شود که وی در کتاب *دلایل و الإعجاز خود* به مسأله نظم پرداخته و عقاید خود را مطرح نموده و فضیلت و ارزش آثار را به وجود نظم در آن می‌داند (جرجانی، ۱۴۰۷: ۱۱۶). هرچند که پیش از جرجانی نیز افرادی چون جاحظ، باقلانی و ... به مسأله نظم پرداخته‌اند؛ ولیکن چون به‌صورت پراکنده بوده، لذا این نظریه با عبدالقاهر جرجانی شناخته شده است.

امروزه نیز بحث انسجام در میان زبان‌شناسان عرب اهمیت زیادی یافته است و آنها از طریق ترجمه آثار زبان‌شناسان غربی به تالیفات بسیاری در این زمینه دست زدند و معادل‌های مختلفی چون «السبک، الإتساق، التماسک و...» را برای اصطلاح *cohesion* آوردند.

به‌طورکلی باید گفت که انسجام، بحث مهمی در پژوهش‌های زبان‌شناسی و تحلیلی متون است که باید بیشتر مورد توجه و اهتمام قرار گیرد، چرا که اگر کلام

ساختار آوایی

منظور از ساختار آوایی متون، صناعات بدیعی‌ای هستند که حاصل نوع تکرار آوایی می‌باشند، تکرار نیز نقش مهمی در انسجام‌بخشی به متون و تناسب و پیوستگی آن دارد (میسسه، ۱۴۳۳: ۵۸). بدین‌روی ما در این بخش به بررسی چندی از این صنایع بدیعی چون: سجع، جناس، ترصیع، موازات، تصدیر والتزام، در سوره‌های قمر، رحمن و واقعه پرداخته و نقش انسجامی هر یک از این عوامل را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

بنابراین روش تحقیق این پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است، در واقع روش تحقیق این پژوهش بر اساس روش استقرایی- استنتاجی و همچنین رویکرد آماری است، بدین صورت که پس از مطالعه دقیق کتب و مقالات مرتبط با بحث، تمامی عناصری که در پی تحلیل آن در قرآن هستیم استخراج شده، البته حتی‌الامکان سعی شده تا به منابع معتبر و علمی‌ای که در زمینه زبان‌شناسی به‌طورعام و آواشناسی به‌طورخاص، کتب و مقالات بلاغی و نقدی و... استناد شود و بعد از آگاهی کامل از این عوامل و شرایط و ویژگی‌های آن در بخش بعد به تحلیل مباحث ارائه شده در سوره‌های مورد بحث خواهیم پرداخت، سپس این داده‌ها را در جدول‌هایی گنجانده و نتایج آنها، طی چند نمودار نشان داده خواهد شد. قابل ذکر است که شیوه ارائه داده‌ها در جدول بر این اساس خواهد بود که در تعیین بسامد سجع، در آیاتی که بایکدیگر تشکیل سجع داده‌اند هرآیه با آیه بعد از خود یک سجع به حساب می‌آید، در جناس، تک‌تک الفاظی که در شکل‌گیری جناس سهیم بوده‌اند، محاسبه شده

از عنصر انسجام خالی باشد غیر واضح و مبهم خواهد بود، لذا زبان‌شناسان اهمیت انسجام را در این می‌دانند که کلام را مفید و روابط جمله را مشخص می‌سازد و از التباس و درآمیختگی بین عناصر جملات جلوگیری می‌کند و به واسطه رفع تشتت در معانی موجود در متن باعث ثبات و استحکام می‌شود (نظری، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹).

انسجام آوایی

انسجام آوایی شامل همه عواملی است که باعث گردد کلام به شکلی آهنگین و با هارمونی و هماهنگی در وزن و قافیه ارائه شود (نظری، ۱۳۸۹: ۱۷). در حقیقت ساختار متون نوشتاری و یا گفتاری اساساً بر مبنای انسجام صوتی است، لذا انسجام آوایی جایگاه وسیعی در تحقیقات و پژوهش‌هایی که در زمینه تحلیل گفتمانی و زبان‌شناسی متن می‌باشند، یافته است و ایجاد انسجام توسط آواها، ارتباط محکمی، به چگونگی توزیع اصوات و آواها در کلام دارد، از این رو پدیده آوایی تابع موقعیت، جایگاه اصوات، هماهنگی و همسازی آنها است (بحری، ۲۰۱۰: ۴-۵).

این گونه انسجامی در متن قرآن کریم با برجستگی خاصی جلوه‌گری می‌کند و میزان توجه بلاغیون به آن، نشانه جایگاه خاص تاثیرگذاری آوایی در موفقیت متون است، زیرا هرچه قدر که یک متن از انسجام بیشتر و قوی‌تری برخوردار باشد، ماندگارتر خواهد بود و بهتر و سریع‌تر در اذهان جای خواهد گرفت همین امر باعث شده برخی نویسندگان عرب نیز آن را به عنوان عامل مهم انسجامی در متون ادبی ذکر نمایند.

توجه به اینکه سجع از همراهی و مشارکت دو عبارت یا دو جمله و بیشتر در حروف پایانی واژه پایانی ایجاد می‌شود، باید گفت سجع در کمترین خاصیت انسجامی نیز دو جمله یا عبارت را در متن با هم همراه می‌سازد (نظری، ۱۳۸۹: ۲۶۶).

در حقیقت «سجع به همراه دیگر عناصر دستوری و واژگانی انسجام در ایجاد نوعی یکپارچگی و وحدت متنی مشارکت دارد، پایانه‌های مشابهت که سجع می‌سازد بدان پشتوانه‌ای آوایی می‌دهد که یک ابزار قوی اقناعی محسوب شود. به ویژه اگر بین دو کلمه مسجوع رابطه آوایی برقرار باشد و آوردن سجع زمینه‌ای برای نویسنده فراهم می‌سازد تا غنای واژگانی و زبانی خود را نمایان سازد.» (فرج، ۲۰۰۷: ۱۱۶-۱۱۸)

در سوره‌های مورد بحث، سجع، به عنوان یک عامل انسجامی مهم، نمود متنوع و آشکاری دارد و موجب ارتباط میان بخش عظیمی از آیات این سوره‌ها شده است؛ در واقع می‌توان چنین بیان داشت که سجع، از اساسی‌ترین عناصر انسجام‌بخشی به متن این سوره‌ها محسوب می‌شود که تقریباً در سراسر سوره به چشم می‌خورد و موجب یکپارچگی متن سوره‌ها شده است.

نوع و بسامد سجع در سوره

نوع سجعی که در این سوره‌ها به کار رفته است تنوع بالایی دارد، به گونه‌ای که انواع مختلف سجع را در خود جای داده است، که این یکی از جنبه‌های اعجازی قرآن کریم است، چرا که با توجه به موقعیت آیات، سجع‌های گوناگون آمده است تا بدین وسیله انسجام آوایی میان

است. در عوامل آوایی موازات و ترصیع و تصدیر نیز، جملات به صورت جداگانه حساب شده‌اند، زیرا که یکایک این جملات در شکل‌گیری انسجام میان آیات نقش داشته‌اند، و اما شیوه محاسبه نسبت، عواملی چون جناس و التزام در حرف و واژگان به نسبت تعداد واژگان سوره محاسبه شده و در بقیه موارد چون: سجع و موازات و... نسبت عوامل، با توجه به تعداد آیات سوره محاسبه شده است.

انسجام آوایی در سوره‌های قمر، رحمن و واقعه

جنبه‌های آوایی، با توجه به زاویه دیدی که هر فرد نسبت به آن دارد، می‌تواند در میدان پژوهشی زیبایی‌شناسانه یا معناشناسانه بحث و بررسی شوند، اما آن دریچه‌ای که زبان‌شناسان، از طریق آن به جنبه‌های آوایی می‌نگرند، آن است که علت اصلی توجه نویسندگان در وارد ساختن جنبه‌های آوایی در متن خویش، انسجام‌بخشی به متن است، عاملی که اگر نباشد متن اساساً وجود نخواهد داشت، لذا برای تشکیل متن و منسجم ساختن آن به جنبه‌های آوایی زبان در کنار عوامل انسجامی دیگر متوسل می‌شوند.

بر این اساس، ما در این بخش برآنیم تا به صورت تطبیقی، عامل انسجامی متن را از رهگذر جنبه‌های آوایی، در تعدادی از سوره‌های قرآن که نمونه بارز متن منسجم هستند، مورد بررسی قرار دهیم:

سجع

گرچه نگاه بلاغیون به سجع بیشتر از جنبه زیبایی‌شناختی است اما در حوزه زبان‌شناسی متن، سجع را باید از زاویه انسجامی نگریست، از این رو با

وَيُولُونَ الدُّبْرَ * بِلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةَ أَذْهَى وَأَمْرٌ *
 * إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ * يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي
 النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُقُوا مَسَّ سَقَرٍ * إنا كُلَّ شَيْءٍ
 خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ * وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةً بِلَيْسٍ

در این آیات کلمات (الدُّبْرَ - أَمْرٌ - سُعْرٍ - سَقَرٍ -
 قَدَرٍ - الْبَيْسِ) زنجیره‌ای مشابه و هماهنگی را ایجاد
 کرده‌اند که آیات به لحاظ آوایی به یکدیگر پیوند داده-
 اند و از آنجایی که هرچقدر طول زنجیره سجع بیشتر
 باشد، حجم بیشتری از متن را منسجم می‌سازد، لذا
 سجع متوازی در این مقطع نسبت به آیاتی که صرفاً
 میان دو آیه تشکیل سجع داده‌اند حجم بیشتری از متن
 را منسجم ساخته است.

(ب) سجع مطرف: سجع مطرف که سجع معطوف
 هم گفته می‌شود، آن است که دو واژه در حرف فاصله
 با یکدیگر هماهنگ، ولیکن در وزن مختلف باشند
 (الحسنای، ۱۴۲۱: ۱۴۹)، این نوع سجع که
 پربسامدترین نوع سجع در سوره‌های مورد بحث
 است، با وارد شدن در پایان بیشتر آیات میان دو آیه و
 حتی چند آیه، ارتباط برقرار کرده و موجب هماهنگی و
 انسجام آن شده است؛ برای نمونه:

آیات ۱-۲ قمر (اَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ * وَإِنْ
 يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ)

آیات ۴-۷ رحمن (عَلَّمَهُ الْبَيَانَ * الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
 بِحُسْبَانٍ * وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ * وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا
 وَوَضَعَ الْمِيزَانَ)

آیات ۴۲-۴۴ واقعه (فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ * وَظِلٍّ مَنْ
 يَخْمُومٍ * لَأَبَارِدُوكُمُ الْيَوْمَ)

اشتراک و هماهنگی حرف فاصله هرکدام از این
 آیات را که جملات مستقلی هستند، به طریق آوایی با

عبارات رعایت گردد. بدین معنا که در برخی از موارد
 برای اینکه انسجام آوایی تامی میان آیات برقرار گردد،
 نیاز به سجع متوازی است که به لحاظ آوایی در
 بالاترین درجه قرار دارد، ولی در موقعیتی دیگر این
 انسجام آوایی با سجع مطرف و یا متوازن برقرار
 می‌گردد، در نتیجه مجموع این سجع‌ها موجب انسجام
 تمامی متن سوره می‌شود.

سجع‌های این سُور را با توجه به حرف فاصله و
 وزن عروضی آن می‌توان در سه نوع سجع متوازی،
 مطرف و متوازن بررسی و تحلیل نمود:

(الف) سجع متوازی: آن است که واژه پایانی هر
 قرینه با نظیر خود، هم در وزن و هم در حرف پایانی
 (فاصله) یکسان باشند (المرسی، ۱۴۲۰: ۱۸۶). این نوع
 سجع که هنری‌ترین و آهنگین‌ترین و زیباترین نوع
 سجع است تاثیر بیشتری نسبت به سجع‌های دیگر،
 در انسجام بخشی و یکپارچگی متن دارد، و در هر سه
 سوره آمده است، از جمله:

آیات ۱۹-۲۰ قمر «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا
 فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازٌ نَّخْلٍ
 مُّتَقَعِرٍ»

آیات ۱-۳ رحمن «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ
 الْإِنْسَانَ»

آیات ۱-۳ واقعه «إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ * لَيْسَ
 لَوْعَتِهَا كَأَيِّهَا * خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، کلمات فاصله به-
 سبب هماهنگی آوایی حاصل از سجع، میان آیات
 مسجع ارتباط برقرار کرده است، در برخی از مقاطع این
 ارتباط آوایی میان تعداد آیات بیشتری برقرار گشته
 است. همچون آیات ۴۵-۵۰ سوره قمر (سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ

یکدیگر پیوند داده است.

آیات قبل و یا با آیات بعد از خود، با سجع مطرف یا متوازی به یکدیگر مرتبط شده‌اند، تا ضعفی که سجع متوازن در ایجاد انسجام میان آیات دارد، را به گونه‌ای جبران و ارتباط میان آیات را محکم‌تر نماید.

مسافت سجع

مسافت سجع یا به عبارتی دیگر کوتاهی و بلندی جملات مسجع، مهم‌ترین جنبه انسجامی سجع به شمار می‌آید که برخی چون ابن اثیر طول زنجیره سجع را به دو دسته قصیر و طویل تقسیم‌بندی کرده‌اند (ابن اثیر، بی تا: ۲۵۷-۲۵۸)؛ ولی گاه مسافت سجع، با توجه به تعداد کلمات به کار رفته در آن آیات در سه نوع کوتاه و متوسط و طولانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که منظور از فقره کوتاه این است که از یک لفظ و یا چند حرف تشکیل شده باشد، منظور از فقرات طولانی نیز فقراتی هستند که از ۱۰ کلمه تشکیل شده‌اند و فقرات متوسط چیزی ما بین این دو است (الحسنای، ۱۴۲۱: ۱۵۱-۱۵۲).

هر کدام از این انواع دوگانه و یا سه گانه به نوعی ارتباط و پیوند میان جملات و آیات را سبب می‌شوند بدین‌گونه که فقرات طولانی، حجم وسیع‌تری از متن را به لحاظ آوایی به یکدیگر پیوند می‌دهند و فقرات کوتاه‌تر حجم کمتری از متن را اما در تعداد آیات بیشتری منسجم می‌سازند.

با نگاه به سوره‌های مورد بحث درمی‌یابیم که طول زنجیره سجع‌ها در سوره قمر و واقعه تقریباً در ساختاری متوسط آمده است.

مانند آیات ۱۸ تا ۲۲ سوره قمر

(كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي * إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

در برخی از موارد سجع مطرف، در حجم وسیعی از متن هماهنگی آوایی ایجاد کرده که در انسجام و یکپارچگی میان آیات مسجع و در نهایت تمام متن سوره، تاثیر بسزایی گذاشته است؛ به عنوان مثال در سوره قمر میان ۹ فقره از آیات (آیه ۳۷ تا ۴۵) در سوره رحمن میان حدود ۳۰ فقره از آیات (آیه ۴۲ تا ۷۱) و در سوره واقعه میان حدود ۱۸ فقره از آیات (آیه ۵۶ تا ۷۳) به وسیله سجع مطرف به یکدیگر مرتبط شده‌اند، و چون، هرچه تعداد فقرات متوالی‌ای که به وسیله یک نوع سجع به هم مرتبط باشند، انسجام آوایی حاصل از آنها بیشتر می‌شود، لذا انسجام آوایی در این قسمت از آیات، بسیار بیشتر از بخش‌های دیگر، جلوه‌گری می‌کند و یکپارچگی متن نمود بیشتری دارد.

ج) سجع متوازن: در سجع متوازن، کلمات در وزن یکسان هستند؛ ولی در حروف فاصله با هم اختلاف دارند (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۸۸). این نوع سجع که کم‌اهمیت‌ترین نوع سجع در انسجام بخشی آوایی است، در این سوره‌ها نیز از بسامد کمتری برخوردار بوده و حتی در سوره قمر هیچ نمونه‌ای را به خود اختصاص نداده است. از نمونه‌های این سجع در سوره رحمن آیات ۱۱ تا ۱۲ (فِيهَا فَآكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاُكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ) و در سوره واقعه آیات ۹۴ تا ۹۶ (وَتَصْلِيَةً جَحِيمٍ * اِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ * فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ) است؛ ولی با این حال، سجع متوازن در ضعیف‌ترین حالت خود نیز موجب پیوند دو آیه به یکدیگر شده است و اگر به آیات قبل و بعد از اینها دقت شود، آشکار می‌گردد که این آیات، یا با

رِيحًا صَرَّصًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ
أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ * فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ * وَلَقَدْ
يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ

آیات ۶ تا ۴ سوره واقعه (إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا *
وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا * فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنبَثًا)

انسجام‌بخشی آوایی سجع با طول فقرات متوسط در مرتبه دوم قرار دارد اما هماهنگی طول این فقرات در سراسر سوره، موجب شده است که گوش، به هنگام شنیدن اسجاع آیات، با فاصله زمانی مشخص انسجام آوایی بیشتری را احساس کند چرا که زنجیره‌ای مشابه، به صورت یکسان و هماهنگ بیان می‌گردد در این صورت توازی و هماهنگی میان آیات نمود بیشتری یافته و انسجام آوایی آیات محسوس‌تر می‌گردد.

اما در سوره رحمن شاهد هر سه نوع قصیر، طویل و متوسط آن هستیم از این‌رو، سجع یکی از ویژگی‌های مهم انسجام آوایی در سوره رحمن به حساب می‌آید. برای مثال آیه (الرَّحْمَنُ) نمونه سجع کوتاه، آیات ۱۴-۱۵ (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ * وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ) نمونه سجع متوسط و آیه ۳۳ (يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ) نمونه سجع طویل است. از این‌رو می‌بینیم که در سوره رحمن تلفیق سه گونه کوتاه، متوسط و بلند سجع با تعداد زیاد که تقریباً جز چند آیه، همه سوره را شامل می‌شود، نقش بسزایی را در انسجام‌بخشی در میان آیات و نیز کل سوره داشته است.

هنجارگریزی لفظی برای رعایت سجع

از سویی دیگر اهمیت انسجامی سجع تا جایی است که

خداوند برای آن گاه به هنجارگریزی‌هایی نیز دست زده است، برخی از علماء این‌گونه از هنجارگریزی‌ها در سوره قمر را به بیش از چهل و یا حتی پنجاه مورد نیز رسانده‌اند. برای مثال در آیه (اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ) خداوند اهم را بر مهم مقدم نموده است در صورتی‌که بنا بر اصل باید به صورت (انشَقَّ الْقَمَرُ وَ اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ) می‌آمد (خلف بشیر، ۲۰۰۷: ۵۰) و یا در آیه (كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ) که یاء اضافه مقدم شده است (السیوطی، ۱۴۰۸: ۲۷/۱). این‌گونه از تقدیم و یا حذف مضاف‌الیه برای رعایت فاصله در آیات دیگری چون آیه ۱۶، ۲۱، ۳۰، ۳۷ و ۳۹ که عبارت (عذابی و نذر) تکرار شده است، نیز آمده است و یا در سوره رحمن آیه (وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ) که صیغه تشبیه (جنتان) به جای صیغه مفرد (جنه) آمده است (همان: ۲۹) درحقیقت چون سجع در آیات قبل و بعد از آن حرف (نون) است، برای حفظ وحدت فقرات و یکپارچگی آنها و ایجاد تناسب آوایی با قبل و بعد خود، به صیغه تشبیه عدول شده است تا خللی در انسجام آوایی سوره پدیدار نگردد.

البته دیدگاه‌های مختلفی درباره علل این هنجارگریزی‌ها وجود دارد، در باور برخی از مفسران و عالمان علوم قرآن چون قرآء، ابن صائغ، ابن اثیر و... این امور تفسیری زیباشناسانه بر پایه تناسب فواصل دارد، بدین معنا اهمیتی که هماهنگی و تناسب در زیبایی و دلنشینی سخن دارد، سبب شده است در نظم کلام تغییراتی رخ دهد و از قواعد لفظی صرف نظر شود، گروهی دیگر چون زمخشری، محمد عبده، خانم بنت الشاطی و... بر این عقیده‌اند که زیبایی و هماهنگی فواصل نمی‌تواند باعث بروز چنین تغییراتی شود، بلکه

اسرار و حکمت‌های دیگری وجود دارد و باید نکات معنایی و بلاغی را جست (خرقانی، ۱۳۹۲: ۲۰۹-۲۱۱)، اما به نظر می‌رسد که علاوه بر دیدگاه‌های فوق، نکته مهم دیگری نیز در میان باشد که خداوند به سبب آن این‌گونه تغییرات را اعمال نموده است و آن رعایت جنبه انسجام آوایی میان آیات است، هرچند دیدگاه‌های فوق صحیح بوده و چه بسا یکی از عوامل بروز چنین تغییراتی به شمار می‌آیند؛ ولیکن باید توجه داشته باشیم که این‌ها همه نشان از اعجاز والای قرآن کریم دارد که با یک تغییر، هم معنای مد نظر را به خوبی القا می‌کند، هم موجب زیبایی و موسیقایی‌تر شدن هرچه تمام‌تر آیات می‌شود و هم یکپارچگی و انسجام آوایی میان آیات را حفظ می‌کند که می‌تواند دلیلی محکم و مهم برای انجام این‌گونه از هنجارگری‌ها باشد.

برای بیان درخت و تفسیر و تبیین آن است (إحمود الفقهاء، ۲۰۱۱: ۱۱۵) و یا در سوره رحمن لفظ (المیزان) در این سه آیه ایجاد جناس تام کرده (وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ) زیرا که میزان نخست به معنای قانون، در آیه بعد، مصدر میمی است به معنای وزن یا تقدیر و حکم و میزان آخر به معنای نهی از کم‌فروشی در معاملات است (الغمرای، ۱۳۷۲: ۱۷۳-۱۷۴). همچنین همراهی جناس با سجع متوازی، در این آیات به انسجام‌بخشی آوایی کمک شایانی کرده است. در این میان تکرار آوایی ناقص میان (الوزن و المیزان) این انسجام را محسوس‌تر ساخته است.

بدین روی تکرار کامل لفظ (المیزان و من) در این آیات به نوعی تداعی‌کننده این لفظ در قبل بوده است و این امر میان اجزای کلام ارتباط ایجاد کرده است.

جناس

جناس حاصل تکرار آوایی کامل و ناقص است که به ترتیب جناس تام و غیرتام (ناقص) را تشکیل می‌دهد، البته بسامد جناس تام نسبت به جناس ناقص کمتر است و این حاکی از آن است که آمدن جناس در متن سوره‌های قرآن بدون تکلف بوده است، چرا که اگر جناس به صورت متکلفانه در متن به کار رود، متن نه تنها زیبایی خود را از دست می‌دهد بلکه انسجام آن نیز به سستی می‌گراید، اما در مواقعی نیز برای حفظ انسجام و پیوستگی متن سوره‌ها از آن استفاده شده است همچون جناس تامی که میان حروف، در سوره واقعه آمده (لَاكِلُونِ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ) چرا که «من» در مورد نخست، برای ابتدای غایت و در مورد دوم

اما جناس ناقص از بسامد بالایی برخوردار است که برخی از این جناس‌ها، به تنهایی و برخی در سایه سجع و یا دیگر عوامل آوایی منجر به انسجام آوایی شده اند، مانند:

(يَدْعُ - الدَّاع) در آیه ۶ سوره قمر (فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ)،

(جَنَىٰ وَ الْجَنَّتَيْنِ) در آیه ۵۴ سوره رحمن (مُتَكَبِّرِينَ عَلَىٰ فُرْشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ) و (روح و ریحان) در آیه ۸۹ سوره واقعه (فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَّعِيمٍ).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود این نمونه‌ها به تنهایی در ارتباط اجزای متن و انسجام آن دخیل بودند و آیاتی چون:

مورد بحث نیز از این جنبه انسجامی بی‌بهره نبوده‌اند و نمونه‌های زیبایی از آن را در خود جای داده‌اند مانند: آیه ۱ سوره قمر

جدول ۱. موازات در سوره قمر

فعل	فاعل
اقْرَبْتِ	السَّاعَةُ
انشقُّ	القمرُ

آیه ۱۴ تا ۱۵ سوره رحمن

جدول ۲. موازات در سوره رحمن

فعل	مفعول	جارومجرور	جارومجرور
خَلَقَ	الْإِنْسَانَ	مِن صَلْصَالٍ	كَالْمِخَارِ
وَ خَلَقَ	الْجَانَّ	مِن مَّارِجٍ	مِن نَّارٍ

آیه ۲۸ تا ۳۱ سوره واقعه

جدول ۳. موازات در سوره واقعه

حرف	اسم مجرور	نعت
فی	سِدرٍ	مُخْضُودٍ
وَ	طَلْحٍ	مُضْودٍ
وَ	ظَلٍّ	مُتَادِدٍ
وَ	مَاءٍ	مُسْكُوبٍ
وَ	فَأَكْبَهَ	كَبِيرَةٍ

همان‌طور که می‌بینیم تکرار ساخت‌هایی هماهنگ در این آیات، به سبب ایجاد زنجیره متشابه‌ای از واژگان، موجب شده است تا آیاتی که به لحاظ محتوایی متفاوت و جدا از یکدیگر هستند به لحاظ آوایی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در واقع توازن حاصل از تکرار ساخت‌های نحوی علاوه بر نظم آهنگ

۲-۳ سوره قمر (وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ* وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ) و یا ۲۸-۲۹ سوره واقعه (فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ* وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ) علاوه بر جناس، عامل سجع در هر دو نمونه و صنعت موازات در آیات سوره واقعه موجب پیوند هرچه تمام‌تر دو آیه و تکمیل انسجام آوایی کلام شده است. به‌طورکلی ارزش اصلی جناس، در هم‌جنسی حروف دو کلمه است که شعر را موسیقایی‌تر و نثر را منسجم‌تر و آهنگین‌تر می‌سازد (اشرف‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۰) و به دلیل اختلاف معنایی ارکان آن، در گروه عوامل انسجام واژگانی قرار نمی‌گیرد، اما در نگاه اول توهم تکرار را به همراه دارد که می‌توان آن را به نوعی در ایجاد انسجام موثر دانست، در واقع رکن دوم جناس به دلیل شباهت ظاهری تداعی‌کننده رکن اول است که این امر، خود عامل ایجاد ارتباط میان اجزای کلام و انسجام می‌شود (طهرانی‌ثابت و همکار، ۱۳۹۰: ۲۵).

موازات

موازات (توازی نحوی) تکرار ساختار ترکیبی (نحوی) به‌طور کامل اما با محتوایی متفاوت است و به گفته سعد مصلوح موازات در واقع نوعی تکرار است اما صرفاً ساخت‌ها تکرار می‌شوند به همراه تفاوت عناصری که در هر ساخت وجود دارد؛ ولی آنچه که در زبان‌شناسی متن اهمیت دارد، نقشی است که این ترکیبات موازی در یکپارچه‌سازی آوایی متن دارند (نظری، ۱۳۸۹: ۱۰۱) و به گفته عبدالمجید (۱۹۹۸: ۱۲۶) «توازی نحوی حتماً توازی آوایی بلکه بالاترین حد توازی آوایی را به دنبال دارد، چرا که توازی نه در سطح لفظ بلکه در سطح ترکیب و ساختار صورت می‌گیرد.» سوره‌های

زیبا و موسیقی دلنوازی که پدید می‌آورد، در نهایت متن منسجمی را ایجاد می‌کند که به هیچ روی قابل تفکیک از هم نیستند از این رو بهتر و سریع‌تر در اذهان جای گرفته و تاثیر بیشتری بر مخاطب خواهد داشت.

التزام

التزام یکی دیگر از عوامل آوایی است که در هماهنگی و هم‌آوایی میان آیات سوره و یکپارچگی متن نقش بسیار ارزنده‌ای را ایفا می‌نماید و در واقع هدف از آن، بیشتر از زیباسازی کلام، انسجام حاصل هماهنگی و آهنگین شدن کلام است.

التزام می‌تواند در سطوح مختلفی چون: حروف، کلمه، جمله و یا مقطع انجام گیرد (الحسنای، ۱۴۲۱: ۲۷۶-۲۷۷)، که در سوره قمر در هر سه سطح، در سوره رحمن در سطح حروف و عبارات و در سوره واقعه فقط در سطح حروف، ارتباط آوایی را در متن سوره به وجود آورده است.

نمونه التزام در تکرار حروف: (عَلَىٰ أَنْ تُبَدَّلَ
أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِبَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ * وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشَاءَ
الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَدْكُرُونَ * أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ
تَرْزَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ * لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا
فَطَلَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ * إِنَّا لَمُعْرِضُونَ * بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ *
أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ
نَحْنُ الْمُنزِلُونَ * لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ
* أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ
نَحْنُ الْمُنشِئُونَ) (واقعه/۶۱-۷۲). ارتباط آوایی آیات
به وسیله آرایه التزام در فقرات مسجع، هماهنگی
افزون‌تری را سبب گشته است و در نتیجه پیوند میان
آیات و فقرات محکم‌تر شده و انسجام آوایی آیات که

حاصل از هماهنگی و آهنگین شدن کلام است، نمود آشکارتری یافته است.

نمونه التزام در تکرار کلمه را در سوره قمر می‌توان مشاهده کرد که واژه «نذر» در ۱۱ آیه از آیات این سوره به عنوان کلمه سجع تکرار شده است همچون آیه ۵ (حِكْمَهُ بَالِغَهُ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ) این التزام از یک سو دلالت بر اهمیت انذار و هشیار نمودن مخاطبان نسبت به فرجامی است که در صورت عدم توجه به انذارهای قرآن و پیامبر، گریبان‌گیر آنان خواهد شد، از سوی دیگر التزام به تکرار این واژه در زیبایی و موسیقایی شدن سوره بسیار موثر بوده است.

اما نکته دیگری که باید بدان توجه نمود این است که تکرار واژه «نذر» در این سوره موجب شده است که میان مقاطع مختلف سوره، ارتباط و هماهنگی حاصل شود و در نتیجه، حجم وسیعی از آیات را بدین وسیله از طریق تکرار آوایی به یکدیگر پیوند دهد، که در نهایت این پیوستگی موجب می‌شود که اثر القایی متن افزون‌تر گشته و درک متن افزایش یافته و متن سوره بدون کوچک‌ترین تغییری ماندگار گردد.

نمونه بارز التزام در تکرار یک آیه و یا عبارت خاص، را می‌توان در سوره رحمن مشاهده کرد که آیه (فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ) از میان ۷۸ آیه، ۳۱ مرتبه تکرار شده است و یکی از بارزترین مظاهر انسجام-بخشی آوایی میان عبارات است، البته مفسران و علماء بلاغت دلایل مختلفی را برای این تکرار برشمرده‌اند که بیشتر از جنبه معنایی و موسیقایی است، برای مثال مرحوم طبرسی (ره) سبب تکرار این آیه را این‌گونه بیان می‌دارد «دلیل آن از سوی توجه دادن به نعمت‌ها و موهبت‌هایی است که در هر فراز و در چندین آیه به

در این آیه، همه واژگان در فقره نخست، با واژگان فقره دوم به وسیله سجع متوازی قرینه یکدیگر قرار گرفته و هم‌آوایی زیبایی را پدید آورده‌اند که این هم‌آوایی حاصل از تقارن اسجاع متوازی در دو فقره، منجر به انسجام آوایی آن شده است، در واقع این دو آیه مستقل از یکدیگر هستند چرا که آیه نخست آن، اشاره به راست‌گرایان و نیک‌بختان داشته و آیه بعدی گروه تیره بخت را بیان می‌دارد؛ ولی هم‌آوایی‌ای که صنعت ترصیع در این دو آیه به وجود آورده است، دو جمله مستقل را به لحاظ آوایی به یکدیگر پیوند داده و باعث انسجام آنها شده است، در واقع چون ترصیع از توازن و تناسب ویژه‌ای برخوردار است، یکی از کارآمدترین عناصر انسجام متنی به شمار می‌آید.

البته قابل ذکر است که عدم وجود ترصیع در برخی از سوره‌ها سوره خللی به انسجام آوایی متن سوره وارد نمی‌سازد، چرا که این عوامل به صورت غیرمتکلفانه در متن سور ورود پیدا کرده‌اند و هر جا که موقعیت و نیاز انسجامی ایجاب کرده است، آمده‌اند.

تصدیر

تصدیر یا ردالعجز علی الصدر بر اثر تکرار آوایی کامل صورت می‌گیرد، به این شکل که یک عنصر دستوری با توالی یکسان در پایان یک مصراع و آغاز مصراع بعد، تکرار گردد (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۹۰) و در نثر آن است که متکلم یکی از دو لفظ مکرر یا متجانس یا آنچه ملحق به جناس است را در اول فقره و دیگری را در آخر آن قرار دهد (حبیب‌الله المیدانی، ۱۴۱۶: ۵۱۴)؛ که این صنعت ارتباط معنوی محکمی را بین دو مصراع و یا دو فقره موجب می‌شود (خطابی، ۲۰۰۶: ۱۳۲). به

تابلو می‌رود، و از دگر سو توجه دادن به نعمت آفرین توانا و فرزانه؛ و از سوی سوم به منظور هشدار و نکوهش کسانی است که چشم بر روی آن‌ها می‌بندند و آنها را با ناسپاسی و کفرانگری نادیده می‌گیرند.» (طبرسی، ۱۳۸۰: ۳۰۸) اما اگر این آیات را از منظر زبان‌شناسی مورد توجه قرار دهیم، علاوه بر بُعد محتوایی و زیباسازی کلام، دلیل دیگری نیز برای تکرارها وجود دارد که آن، انسجام‌بخشی به متن سوره است، چرا که «این اسلوب آرایه‌ای ادبی در سخن است، که آیه برگردان (ترجیع بند) همچون پیوندی است که دانه‌های تسییح را در امتداد یکدیگر می‌نشانند.» (خرقانی، ۱۳۹۲: ۲۸۳) و با پیوند میان آیات، انسجام و یکپارچگی متن سوره را حاصل می‌شود و تکرار چندین باره آیات (فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي) و (وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ) در سوره قمر موجب ایجاد یک نوع ارتباط میان مقاطعی شده است که این آیه تکرار شده است. در واقع باید گفت که «سِرّ انسجام در میان آیات سوره قمر، در تکرار این‌گونه آیات و عبارات است چرا که این‌گونه تکرارها موجب توازی آوایی در سوره شده، که به متن، انسجام بخشیده است.» (النجار، ۱۴۳۲: ۳۸)

ترصیع

ترصیع یک گونه بسیار اثربخش در زیباسازی و انسجام‌بخشی متن است، که در میان سوره‌های مورد بحث تنها نمونه‌ای از آن در سوره واقعه مشاهده می‌شود:

(فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ)

(وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ)

(أَنْزَلْتُمُوهُ وَالْمُنزِلُونَ)، (أَنْشَأْتُمْ و الْمُنشِئُونَ)، سازگاری بالایی را میان صدر و عجز کلام برقرار کرده است و این هماهنگی حاصل از تکرار آواها در ابتدا و انتهای آیات ارتباط بسیار محکمی را میان ابتدا و انتهای آیات برقرار کرده است.

نکته قابل توجه، رابطه‌ای است که میان تصدیر و جناس وجود دارد که در واقع صدر و عجز کلام، علاوه بر صنعت تصدیر، دارای جناس نیز هست، از این رو، صنعت تصدیر اهمیت بالایی در انسجام بخشی آوایی به متن این سوره، داشته است، زیرا که به سبب تشابه آوایی، میان ابتدا و انتهای آیات، اثر القایی آن افزون تر شده و جملات راحت تر در ذهن جای می‌گیرند.

در جدول زیر، دفعات تکرار (بسامد) و نسبت حضور هر یک از عوامل در این سوره‌ها ارائه می‌گردد:

عبارتی دیگر این تکرار، از طریق ایجاد تشابه و توازن آوایی در ابتدا و انتهای برخی از آیات رابطه‌ای را میان صدر و عجز کلام و یا میان دو فقره برقرار می‌کند که به سبب آن بین دو قسمت کلام سازگاری و انسجام پدید می‌آید.

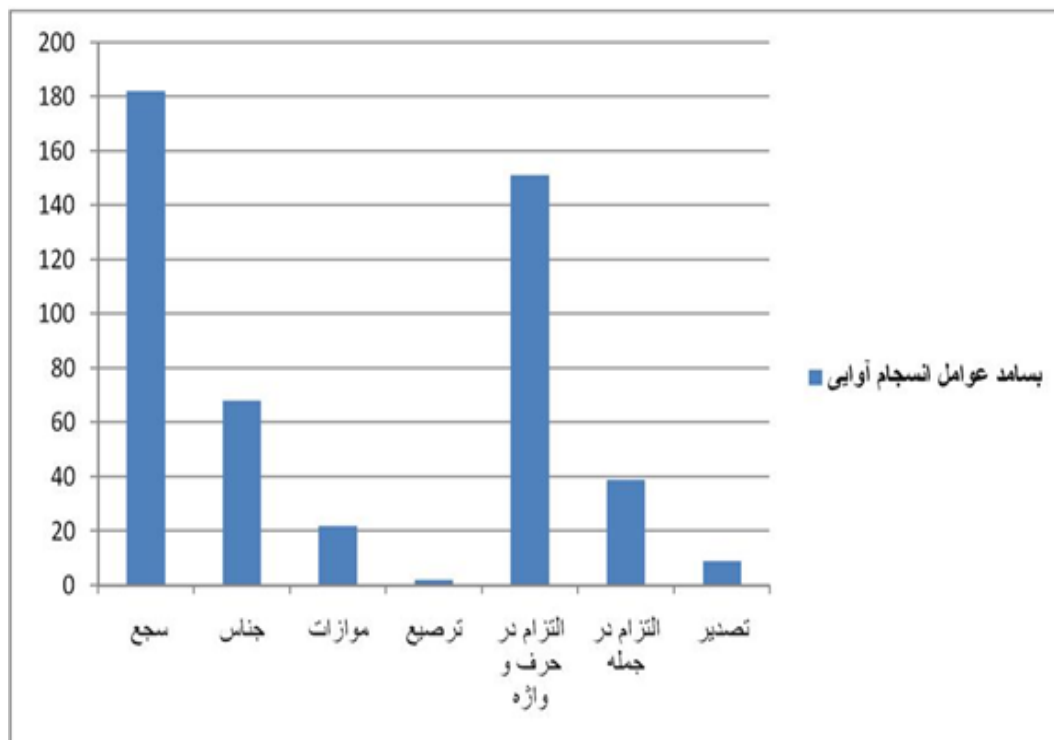
در سوره رحمن نمونه‌ای از این عامل انسجامی یافت نشد و سوره قمر نیز تنها یک نمونه از آن را به خود اختصاص داده است (وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِاللُّذُرِّ) که در این آیه تکرار آوایی میان کلمات (أَنْذَرَهُمْ و اللُّذُرِّ) میان صدر و عجز کلام هماهنگی آوایی ایجاد کرده که موجب انسجام و پیوستگی آیه گشته است. اما کارایی این عامل در سوره واقعه از بسامد بالاتری برخوردار است که شامل آیات ۱، ۴، ۵، ۳۵، ۵۹، ۶۴، ۶۹ و ۷۲ می‌شود که در این آیات تکرار آوایی میان؛ (وَقَعَتِ وَالْوَاقِعَةِ)، (رُجَّتِ و رَجًّا)، (بُسَّتِ و بَسًّا)، (أَنْشَأْنَا و إِنْشَاءً)، (تَخْلُقُونَهُ وَالْخَالِقُونَ)، (تَزْرَعُونَهُ وَالزَّارِعُونَ)،

جدول ۴. بسامد عوامل آوایی

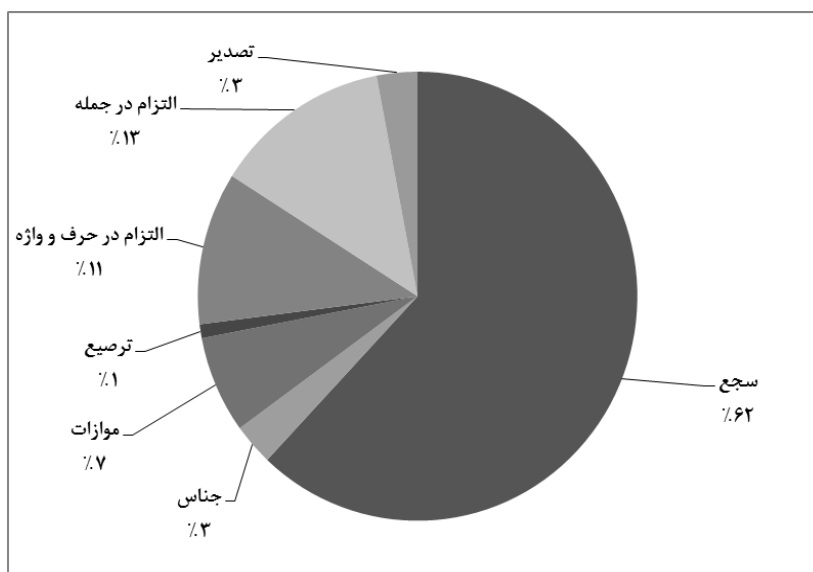
سوره	مجموعه عوامل انسجام آوایی											مجموع		
	تصدیر		التزام		ترصیع	موازات		جناس		سجع				
	در جمله	در حرف و واژه	در حرف	در واژه		مجموع	غیر تام	تام	مجموع آیات مسجع	منفرد (بدون سجع)	متوازن		مطرف	متوازی
قمر	۱	۸	۱۷	۰	۱	۲۰	۲۰	۰	۵۴	۰	۰	۳۱	۲۳	۱۰۱
رحمن	۰	۳۱	۷۶	۰	۶	۱۴	۱۱	۳	۶۴	۵	۱	۵۹	۴	۱۹۱
واقعه	۸	۰	۵۸	۲	۱۵	۳۴	۳۲	۲	۶۴	۱۲	۴	۴۸	۱۲	۱۸۱
مجموع	۹	۳۹	۱۵۱	۲	۲۲	۶۸			۱۸۲					۴۷۳

جدول ۵. نسبت عوامل آوایی

مجموع	مجموعه عوامل انسجام آوایی							تعداد واژگان	تعداد آیات	سوره
	تصدیر	التزام		ترصیع	موازات	جناس	سجع			
		در جمله	در حرف و واژه							
%۲۹.۴۴	%۰.۲۹	%۱۴.۵۴	%۴.۹۵	۰	%۰.۲۹	%۵.۸۳	%۹۸.۱۸	۳۴۳	۵۵	قمر
%۵۴.۴۱	۰	%۳۹.۷۴	%۲۱.۶۵	۰	%۷.۶۹	%۳.۹۸	%۸۲.۰۵	۳۵۱	۷۸	رحمن
%۴۷.۸۸	%۸.۳۳	۰	%۱۵.۳۴	%۲.۰۸	%۱۵.۶۲	%۸.۹۹	%۶۶.۶۶	۳۷۸	۹۶	واقعه
%۴۴.۱۲	%۳.۹۳	%۱۷.۰۳	%۱۴.۰۸	%۰.۸۷	%۹.۶۰	%۳.۸۹	%۷۹.۴۷	۱۰۷۲	۲۲۹	مجموع



نمودار ۱. بسامد عوامل انسجام آوایی در مجموع سور



نمودار ۲. نسبت عوامل انسجام آوایی در مجموع سور

یافته است:

۱. در میان همه عوامل آوایی، سجع به عنوان پراهمیت‌ترین عنصر انسجامی، مطرح می‌باشد، چرا که در تمام سوره‌های مورد پژوهش، به صورت چشم‌گیری تکرار شده است. و حرف فاصله به عنوان حرفی که از طریق تکرار و هم‌آوایی‌هایی که به وجود می‌آورد و سبب انسجام متن می‌گردد، بیشتر شامل حرف «نون» است، چرا که حرف نون از حروف غنّه محسوب می‌شود و جایگاه مناسبی را برای وقف فراهم می‌سازد، و حرف (راء و میم) بعد از نون بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. التزام به عنوان یکی دیگر از عوامل آوایی مهم در انسجام‌بخشی به آیات و سور، در مرتبه دوم از اهمیت قرار دارد، که از طریق ایجاد هم‌آوایی بیشتر میان آیات و نیز ایجاد ارتباط میان آیات منفرد با آیات مسجع قبل و بعد از خود، موجب هماهنگی و انسجام متن شده است.

۳. موازات در مرتبه سوم و جناس و تصدیر در مرتبه

بحث و نتیجه‌گیری

ساختار قرآن به گونه‌ای است که علاوه بر انسجامی که در حوزه معنایی دارد، در حوزه زبانی نیز از یکسری شگردها و اصولی استفاده شده است که آیات سوره‌ها را در سطح آوایی، در اوج انسجام قراردادده است تا از یک سو به عنوان آخرین کتاب هدایت، ماندگار شود و کوچکترین تحریفی در آن صورت نگیرد، و از سوی دیگر با ساختار آوایی هماهنگ و منسجم خود در روح و جان آدمیان جای گرفته و اثر القایی آن افزایش یابد.

لذا همان‌طور که در پیشینه بحث نیز بدان اشاره شد تاکنون تحقیقات زیادی در حوزه انسجام متن قرآن انجام شده است و هرچند این آثار، تلاش‌های خوبی می‌دول داشته‌اند؛ ولی هیچ‌یک از اینها در زمینه ساختار آوایی قرآن و تأثیری که بر انسجام متن دارد، به صورت مجزا و کامل نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، با بررسی روساخت آیات سوری از قرآن، در صورت‌های زبانی‌ای چون؛ سجع، جناس، موازات، ترصیع، التزام و تصدیر به نتایج ذیل دست

این عوامل در کنار دیگر سطوح انسجامی یعنی واژگانی و دستوری، این انسجام را محسوس‌تر و کامل‌تر نمایان می‌سازد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن اثیر، ضیاءالدین (بی تا). *المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر*، قدمه و علقه: احمد الحوقی و بدوی طبانه. القاہرہ: دارالنهضة.
- إحمود الفقهاء، بلال سامی (۲۰۱۱). *سوره الواقعه دراسه الأسلوبیه*، الرساله درجه الماجستير، جامعه الشرق الأوسط.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۴). «کند و کاوی زیبایی شناسانه در مورد جناس»، *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد*، شماره ۵.
- آقاگل زاده، فردوس و علی افخمی (۱۳۸۳). «زبان شناسی متن و رویکردهای آن»، *مجله زبان‌شناسی*، شماره ۱.
- بحری، نواره (۲۰۱۰). *نظریه الانسجام الصوتی و اثرها فی بناء الشعر (دراسه وظيفیه-تطبيقیه فی قصیده «الموت والاضطرار» للمتنبی*، رساله دکتری، جامعه الحاج لخصر- باتنه.
- بهنام، بیوک (۱۳۸۱). *جایگاه ادبی نهج البلاغه: تحلیل گزیده‌هایی از کلام امام علی علیه السلام*، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲.
- حَبْنَكَة المیدانی، عبد الرحمن حسن (۱۴۱۶). *البلاغه العربیه (أسسها و علومها و فنونها)*، دمشق: دارالقلم.

بعد از اهمیت انسجامی قرار دارد. که البته جناس در این سوره، بیشتر از نوع جناس ناقص است و جناس تام به لحاظ انسجامی از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ چرا که فزونی جناس تام در یک متن نشان از تکلف آن خواهد داشت، از این رو حتی در برخی از سوره‌ها چون سوره (قمر) هیچ کاربردی نداشته است، اما جناس ناقص، به عنوان یک عامل انسجامی، با بسامد بیشتری آمده است، که البته در برخی از موارد با همراهی عوامل دیگری چون سجع و تصدیر و... و در جهت تکمیل عمل انسجامی آنها آمده است.

۴. ترصیع به‌عنوان کم‌اهمیت‌ترین عنصر آوایی در انسجام‌بخشی به متن محسوب می‌شود؛ چرا که از میان سوره‌های مورد پژوهش، تنها در یکی از این سوره‌ها کاربرد داشته است، هرچند که ترصیع به‌لحاظ آوایی، تاثیر بسزایی در هماهنگی و انسجام متن دارد، ولیکن آوردن آن از روی تکلف، بیشتر موجب گرایش متن به سستی و اختلال در هماهنگی میان آیات آن می‌شود.

بنابر این تفصیل، مشخص می‌گردد که متن سوره‌های مورد تحقیق، به‌لحاظ آوایی در اوج انسجام و پیوستگی هستند، به‌طوری‌که به هیچ عنوان نمی‌شود چینش الفاظ را تغییر داد و یا کلمه‌ای را به جای کلمه‌ای دیگر به کار برد، چرا که خداوند حکیم، به‌گونه‌ای این الفاظ و آواها را کنار یکدیگر قرار داده است که در ارتباط تام با یکدیگر بوده و در نهایت موجب ایجاد یک متن منسجم شده است که این انسجام با توجه به ارتباط تامی که با معنای آیات برقرار کرده است، کاملاً متناسب با مقتضای حال مخاطبان است و القاء مفاهیم به مخاطب و درک متن، را سریع‌تر و راحت‌تر نموده است. البته شایان ذکر است که بررسی

- جرجانی، عبدالقاهر (۱۴۰۷). *دلایل الإعجاز*، دمشق: مکتبه سعدالدین.
- الحسنای، محمد (۱۴۲۱). *الفاصله فی القرآن*، عمان: دار عمار.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۲). *زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- خطابی، محمد (۲۰۰۶م). *لسانیات النص مدخل إلى انسجام الخطاب*، بیروت: المركز الثقافی العربی.
- خلف بشیر، خلیل (۲۰۰۷م). «ظواهر الأسلوبیة فی سورة القمر». *جامعه البصره، کلیه الآداب، مجله آداب البصره*، العدد ۴۴.
- السیوطی، جلال الدین أبی بکر (۱۴۰۸ق). *معتزک الأقران فی اعجاز القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- صفوی، کورش (۱۳۹۰). *از زبان شناسی به ادبیات*. تهران: سوره مهر.
- طاهرخانی، جواد (۱۳۸۳). *بلاغت و فواصل قرآن*، جهاد دانشگاهی.
- طهرانی ثابت، ناهید و تقی پورنامداریان (۱۳۹۰). «نگاهی دیگر به جناس»، *فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، شماره ۱.
- الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه علی کرمی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبدالمجید، جمیل (۱۳۷۲). *بدیع بین البلاغه واللسانیات النصیة*. القاهرة: الهیئه المصریة العامه
- للکتاب، ۱۹۹۸.
- الغمرای، محمد أحمد (بی تا). *الجناس التام فی القرآن*، بی جا: بی نا.
- فرج، حسام احمد (۲۰۰۷). *نظریه علم النص*، القاهرة: مکتبه الآداب.
- فضل، صلاح (۱۹۹۲). *بلاغه الخطاب و علم النص*، الکویت: سلسله عالم المعرفه.
- المرسی، کمال الدین عبدالغنی (۱۴۲۰). *فواصل الآیات القرآنیة*، اسکندریه: المکتب الجامعی الحدیث.
- مهاجر و نبوی، مهران و محمد (۱۳۷۶). *به سوی زبان شناسی شعر؛ رهیافتی نقاش گرا*. تهران: نشر مرکز.
- میسه، محمد الصغیر (۱۴۳۳). *جمالیات الصوتی فی القرآن الکریم*، رساله دکتری، جامعه محمد خضر بسکره.
- النجار، أشواق محمد اسماعیل (۱۴۳۲). «التوازی الصوتی فی سورة القمر». *آداب الرافدین*، العدد ۵۸.
- البرزی، پرویز (۱۳۸۶). *مبانی زبان شناسی متن*، تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر.
- نظری، علیرضا (۱۳۸۹). *کارکرد عوامل انسجام متنی در خطبه های نهج البلاغه (بر اساس الگوی نقاش گرای هالییدی)*، رساله دکتری، تربیت مدرس.
- Halliday & Hasan (1976). *Cohesion in English*, London: Longman.